



سیرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

پژوهشی در قرآن و سیره نبوی

- سرشناسه: رحمانی فیروزجاه، علی، ۱۳۸۱ -
- عنوان: حیات طیبه، به مثابه سبک زندگی اسلام
- تکرار نام پدیدآور: [مؤلفان:] علی رحمانی فیروزجاه، امین گیلان
- مشخصات نشر: قم: سلسله، ۱۳۹۳
- مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص.
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۲-۰۸۸-۹
- وضعیت فهرست نویسی: فیفا.
- یادداشت: [عنوان دیگر:] سبک زندگی در قرآن و سیره نبوی
- یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۹۷ - ۲۰۰؛ هم‌چنین به صورت زیرنویس
- موضوع: راه و رسم زندگی - (اسلام)
- موضوع: زندگی - جنبه‌های مذهبی - اسلام
- موضوع: شیوه زندگی - جنبه‌های مذهبی - اسلام
- موضوع: زندگی - جنبه‌های مذهبی - اسلام
- موضوع: سنت نبوی
- شناسه افزوده: گیلان، ام‌البنین، ۱۳۵۳ - نویسنده همکار
- رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ح ۹ / ۲ ر / ۲۵۸ BP
- رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۷۲
- شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۳۶۶۷۳

حیات طیبہ

بہ مناسبت
سبک زندگی اسلامی

پژوہشی در بیان و سیرہ نبوی

نویسندگان :

دکتر علی رحمانی فیروز جاہ

ام البنین گیلان



حیات طریقه

به مثابه سبک زندگی اسلامی

پژوهشی در قرآن کریم و سیره نبوی

نویسندگان: دکتر علی رحمانی فیروزجاه/ام‌البین کیلان

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ / چاپ پرستش

قیمت: ۸۸۰۰ تومان

ناشر: انتشارات سلسله

قم - ارم، پاساژ قدس، ۹۷ / کدپستی ۳۷۱۳۷-۱۳۹۹۳

تلفن ۳۷۷۳۰۷۱۷ / فاکس ۳۷۷۴۹۱۰۸

WWW.SELSELE.KETABNAMEH.COM

e.mail: selseleh_pub_1377@yahoo.com

ISBN: 978.964.242.088.9

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۲-۰۸۸-۹

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۳
مقدمه.....	۲۴
فصل اول: سبک زندگی، تأثیر آن بر جامعه، فواید و اهداف.....	۲۹
فضای مفهوم سبک زندگی.....	۳۷
دین و سبک زندگی.....	۴۰
هدف سبک زندگی.....	۴۷
جهان بینی الهی.....	۴۹
مذمت دلبستگی و فریفته شدن به زینت‌ها و جاذبه‌های مادی زندگی... ۵۵	
سبک زندگی اسلامی.....	۵۷
سبک زندگی در قرآن و سیره نبوی.....	۶۳
فصل دوم: سبک زندگی در قرآن و سیره نبوی.....	۶۳

- زندگی متکی به خدا ۶۹
- زندگی هدفدار ۷۰
- زندگی رهبری شده ۷۰
- زندگی خلاق و آگاهانه ۷۱
- زندگی آزادانه ۷۱
- زندگی مادی و معنوی توأمان ۷۲
- ابعاد سبک زندگی در قرآن و سیره نبوی ۷۳
- ابعاد فردی سبک زندگی ۷۴
- « برادر ۷۷
- « طلب خیر ۷۷
- « اطعام کردن ۷۷
- « میانه روی ۷۸
- « امان دادن ۷۹
- « امانتداری ۷۹
- « امنیت ۸۰
- « انفاق ۸۰
- « نیکوکاری ۸۱

۸۳	◀ همسایه
۸۴	◀ سخاوت
۸۵	◀ حقوق
۸۷	◀ اخلاق
۸۸	◀ وام
۸۹	◀ اهمیت کار و تلاش
۸۹	◀ اهمیت حفظ جان و سلامت
۹۰	◀ ابعاد اجتماعی سبک زندگی
۹۴	◀ خویشاوندی
۹۴	◀ نیکی به خانواده
۹۵	◀ پیوند با خویشاوندان
۹۷	◀ مهربانی
۹۸	◀ شادمانی
۹۸	◀ راستی
۹۹	◀ صدقه
۹۹	◀ برخی آثار رفع نیاز مردم
۱۰۹	◀ دوست

۱۱۱. < تعامل با مومنان.....
۱۱۱. < لزوم اجتماع مومنان.....
۱۱۲. < هدیه دادن به مومن.....
۱۱۲. < حسن خلق و معاشرت.....
۱۱۴. < بخشودن.....
۱۱۵. < یاری.....
۱۱۵. < پیمان.....
۱۱۶. < عیادت.....
۱۱۶. < همنشینی.....
۱۱۸. < مدارا کردن.....
۱۱۸. < محبت.....
۱۲۷. < مسئولیت.....
۱۲۷. < خوبی کردن.....
۱۳۰. < دوستی.....
۱۳۰. < مصادیق شهروندان.....
۱۳۰. < همسایگان.....
۱۳۱. < فقیران.....

۱۳۲	◀ مدد جویان.....
۱۳۲	◀ قرض داران.....
۱۳۲	◀ عدالت و انصاف.....
۱۳۳	◀ اصلاح روابط.....
۱۳۴	◀ نظام اجتماعی.....
۱۳۵	◀ اتحاد و همبستگی.....
۱۳۶	◀ ممنوعیت تفرقه افکنی و فتنه و فساد.....
۱۳۷	◀ خطر تفرقه افکنی و جدایی از اجتماع.....
۱۳۷	◀ نهی از قهر و دشمنی.....
۱۳۸	◀ مشورت و شورا.....
۱۳۸	◀ اهمیت رازداری و حفظ آبرو.....
۱۳۹	◀ کیفر عیبجویی از دیگران.....
۱۳۹	◀ تامین نیاز مردم.....
۱۴۰	◀ اوقات فراغت.....
۱۴۱	◀ الگوی مصرف.....
۱۴۵	◀ سبک زندگی در سیره نبوی.....
۱۵۴	◀ فصل سوم: حیات طیبه.....

معنای حیات طیبه فردی و اجتماعی.....	۱۵۷
محورهای حیات طیبه.....	۱۶۱
ارتباط سبک زندگی اسلامی با حیات طیبه.....	۱۶۱
شکل گیری حیات طیبه و محور تضاد طبقاتی.....	۱۷۰
مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و مدرن.....	۱۷۷
بحث و نتیجه گیری.....	۱۸۸
منابع و مآخذ.....	۱۹۷
References.....	۲۰۰

پیشگفتار

آن مفهومی که می‌تواند اهداف نظام اسلامی را تا حدود زیادی در خود جمع کند و به ما نشان دهد، مفهوم پیشرفت است. پیشرفت، تداعی‌کننده‌ی حرکت است، راه است. بطور ما می‌گوییم پیشرفت هدف است؟ علت این است که پیشرفت هرگز متوقف نمی‌شود. بله، پیشرفت، حرکت است، راه است، ضرورت است؛ اما متوقف‌شدنی نیست و همین‌طور ادامه دارد؛ چون انسان ادامه دارد، چون استعدادهای بشری ختم ندارد. گفتیم پیشرفت دارای ابعادی است؛ و پیشرفت در مفهوم اسلامی، با پیشرفت یک بُعدی یا دو بُعدی در فرهنگ غربی متفاوت است؛ چند بُعدی است. یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه‌ی زیستن - اینها عبارتۀ اخراجی یکدیگر است - این یک بُعد مهم است. ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله‌ی

اساسی و مهمی است. درباره‌ی این که در زمینه‌ی سبک زندگی چه باید گفت، چه می‌توان گفت. این سرآغاز و سرفصل یک بحث است. ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینجور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه‌ی درستی است - این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزشهایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داریم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه‌ی سیاست، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، هم در زمینه‌ی اختراعات و از این قبیل. *والی ماشاء الله* در سرتاسر کشور انجام گرفته است. در بخش ابزاری، علی‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریم‌ها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است. اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار

ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرنوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است. تمدن نوین اسلامی در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل میشود؛ اینها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن می‌گویند: عقل معاش. عقل معاش، فقط به معنای پول در آوردن و پول خرج کردن نیست، که چگونه پول در بیاوریم، چگونه پول خرج کنیم؛ نه، همه‌ی آن عرصه‌ی وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است. در کتب حدیثی اصیل و مهم ما ابوابی وجود دارد به نام «کتاب العشرة»؛ آن کتاب العشرة درباره‌ی همین چیزهاست. در خود قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر به این چیزهاست.

می‌شود این بخش را به منزله‌ی بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد؛ و آن بخش اول را، بخشهای سخت‌افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه‌ی پیشرفتهایی که در بخش اول کردیم، نمی‌تواند ما را رستگار کند؛ نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ همچنان که می‌بینید در دنیای غرب نتوانسته. در آنجا افسردگی هست، ناامیدی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسانها در اجتماع و در خانواده هست، بی‌هدفی و پوچی هست؛ با این که ثروت هست، بمب اتم هست، پیشرفتهای گوناگون علمی هست، قدرت نظامی هم هست. اصل قضیه

این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. البته در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟ بعد از آن که علتها را پیدا کردیم، آن وقت پردازیم به این که چگونه می‌توانیم اینها را علاج کنیم. اینها به عهده‌ی کیست؟ به عهده‌ی نخبگان - نخبگان فکری، نخبگان سیاسی - به عهده‌ی شما، به عهده‌ی جوانها. اگر در محیط اجتماعی ما گفتمانی به وجود بیاید که ناظر به رفع آسیبها در این زمینه باشد، می‌توان مطمئن بود با نشاطی که نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران دارند، با استعدادی که وجود دارد، ما در این بخش پیشرفتهای خوبی فراهم کرد؛ آن وقت درخشندگی ملت ایران در دنیا و گسترش اندیشه‌ی اسلامی ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران در دنیا آسان تر خواهد شد. باید آسیب‌شناسی کنید و بعد علاج کنید. نخبگان موظفند، حوزه موظف است، دانشگاه موظف است، رسانه با موظفند، تربیون‌دارها موظفند؛ مدیران بسیاری از دستگاه‌ها، بخصوص دستگاه‌هایی که با فرهنگ و تربیت و تعلیم سروکار دارند، موظفند؛ کسانی که برای دانشگاه‌ها یا برای مدارس برنامه‌ریزی آموزشی می‌کنند، در این زمینه موظفند؛ کسانی که سرفصلهای آموزشی را برای کتابهای درسی تعیین میکنند، موظفند. اینها همه یک وظیفه‌ای است بر دوش همه. باید ما همگی به خودمان نهیب بزنیم. در این زمینه باید کار کنیم، حرکت کنیم. بنابراین باید آسیب‌شناسی کنیم؛ یعنی توجه به آسیب‌هایی که در این زمینه وجود دارد و جستجو از علل این آسیب‌ها. البته ما اینجا نمی‌خواهیم مسئله را تمام‌شده فرض کنیم؛ فهرستی مطرح

می‌کنیم:

- چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه‌ی ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با این که کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»، (۱) یا: «واعتصموا بحبلِ اللهِ جميعًا». (۲) یعنی حتی اعتصام به حبل‌الله هم باید دسته‌جمعی باشد؛ «وَلَا تَفَرَّقُوا». (۳)

- چرا در برخی از بخشهای کشورمان طلاق زیاد است؟

- چرا در برخی از بخشهای کشورمان روی آوردن جوانها به مواد مخدر زیاد است؟

- چرا در روابط همسایگی ملّی عاداتهای لازم را نمیکنیم؟

- چرا صله‌ی رحم در بین ما ضعیف است؟

- چرا در زمینه‌ی فرهنگ رانندگی در خیابان، مردمان منضبطی به طور کامل نیستیم؟ این آسیب است. رفت‌وآمد در خیابان، یکی از مسائل ماست؛ مسئله‌ی کوچکی هم نیست، مسئله‌ی اساسی است.

- آپارتمان‌نشینی چقدر برای ما ضروری است؟ چقدر درست است؟ چه الزاماتی دارد که باید آنها را رعایت کرد؟ چقدر آن الزامات را رعایت میکنیم؟
- الگوی تفریح سالم چیست؟

- نوع معماری در جامعه‌ی ما چگونه است؟ ببینید چقدر این مسائل متنوع و فراگیر همه‌ی بخشهای زندگی، داخل در این مقوله‌ی سبک زندگی است؛ در این بخش اصلی و حقیقی و واقعی تمدن، که رفتارهای ماست. چقدر نوع

معماری کنونی ما متناسب با نیازهای ماست؟ چقدر عقلانی و منطقی است؟

- طراحی لباسمان چطور؟

- مسئله‌ی آرایش در بین مردان و زنان چطور؟ چقدر درست است؟

چقدر مفید است؟

- آیا ما در بازار، در ادارات، در معاشرتهای روزانه، به همدیگر به طور

کامل راست می‌گوئیم؟ در بین ما دروغ چقدر رواج دارد؟

- چرا پشت سر یکدیگر حرف می‌زنیم؟

- بعضی ما با داشتن توان کار، از کار می‌گریزند؛ علت کارگریزی چیست؟

- در محیط اجتماعی، برخی‌ها پرخاشگری‌های بی‌مورد میکنند؛ علت

پرخاشگری و بی‌صبری و بی‌تابی در میان بعضی از ماها چیست؟

- حقوق افراد را چقدر مراعات میکنیم؟ در رسانه‌ها چقدر مراعات

میشود؟ در اینترنت چقدر مراعات میشود؟ چقدر به قانون احترام میکنیم؟

علت قانون‌گریزی - که یک بیماری خطرناکی است - در برخی از مردم

چیست؟

- وجدان کاری در جامعه چقدر وجود دارد؟

- انضباط اجتماعی در جامعه چقدر وجود دارد؟

- محکم‌کاری در تولید چقدر وجود دارد؟ تولید کیفی در بخشهای

مختلف، چقدر مورد توجه و اهتمام است؟

- چرا برخی از حرفهای خوب، نظرهای خوب، ایده‌های خوب، در حد

رؤیا و حرف باقی میماند؟ که دیدید اشاره کردند.

- چرا به ما می‌گویند که ساعات مفید کار در دستگاه‌های اداری ما کم

است؟ هشت ساعت کار باید به قدر هشت ساعت فایده داشته باشد؛ چرا به قدر یک ساعت یا نیم ساعت یا دو ساعت؟ مشکل کجاست؟

- چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف‌گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف‌گرایی افتخار است؟ مصرف‌گرایی یعنی این که ما هر چه گیر می‌آوریم، صرف اموری کنیم که جزو ضروریات زندگی ما نیست. چه کنیم که ریشه‌ی ربا در جامعه قطع شود؟

- چه کنیم که حق همسر - حق زن، حق شوهر - حق فرزندان رعایت شود؟ چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آنچنان که در غرب رایج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟ چه کنیم که زن در جامعه‌ی ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی‌اش محفوظ بماند، هم بتواند وظائف اجتماعی‌اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی‌اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا، یکی‌اش را انتخاب کند؟ اینها جزو مسائل اساسی ماست.

- حد زاد و ولد در جامعه‌ی ما چیست؟ من اشاره کردم؛ یک تصمیم زمان‌دار و نیاز به زمان و مقطعی را انتخاب کردیم، گرفتیم، بعد زمانش یادمان رفت! مثلاً فرض کنید به شما بگویند آقا این شیر آب را یک ساعت باز کنید. بعد شما شیر را باز کنی و بروی! ماها رفتیم، غافل شدیم؛ ده سال، پانزده سال. بعد حالا به ما گزارش میدهند که آقا جامعه‌ی ما در آینده‌ی نه چندان دوری، جامعه‌ی پیر خواهد شد؛ این چهره‌ی جوانی که امروز جامعه‌ی ایرانی دارد، از او گرفته خواهد شد. حد زاد و ولد چقدر است؟

- چرا در بعضی از شهرهای بزرگ، خانه‌های مجردی وجود دارد؟ این بیماری غربی چگونه در جامعه‌ی ما نفوذ کرده است؟

- تجمل‌گرایی چیست؟ بد است؟ خوب است؟ چقدرش بد است؟ چقدرش خوب است؟ چه کار کنیم که از حد خوب فراتر نرود، به حد بد نرسد؟

اینها بخشهای گوناگونی از مسائل سبک زندگی است، و ده‌ها مسئله از این قبیل وجود دارد؛ که بعضی از اینهایی که من گفتم، مهمتر است. این یک فهرستی است از آن چیزهایی که متن تمدن را تشکیل میدهد. قضاوت درباره‌ی یک تمدن، مبتنی بر اینهاست. نمی‌شود یک تمدن را به صرف این که ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و تحسین کرد؛ در حالی که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرا گرفته. اصل اینهاست؛ آنها ابزاری است برای این که این بخش تأمین شود، تا مردم احساس آسایش کنند، با امید زندگی کنند، با امنیت زندگی کنند، پیش بروند، حرکت کنند، تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند. یک مقوله‌ای در اینجا مطرح میشود و سر بر می‌آورد، به عنوان مقوله‌ی فرهنگ زندگی. باید ما به دنبال این باشیم که فرهنگ زندگی را تبیین کنیم، تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم. البته اسلام بُنمایه‌های یک چنین فرهنگی را برای ما معین کرده است. بُنمایه‌های این فرهنگ عبارت است از خردورزی، اخلاق، حقوق؛ اینها را اسلام در اختیار ما قرار داده است. اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. هر چه ما در صنعت، پیشرفت، هر چه

اختراعات و اکتشافات زیاد شود، اگر این بخش را ما درست نکنیم، پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکرده‌ایم. باید دنبال این بخش، زیاد کار کنیم؛ زیاد تلاش کنیم. دو سه نکته پیرامون ایجاد این وضعیت و الزاماتی که دنبال این فرهنگ رفتن برای ما ایجاد میکند، وجود دارد، که باید به اینها توجه کنیم. نکته‌ی اول این است که رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است: هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود. یک نقطه‌ی اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخشها امکان‌پذیر نیست؛ کار درست انجام نمی‌گیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم باشد، می‌تواند کاپیتالیسم باشد، می‌تواند کمونیسم باشد، می‌تواند فاشیسم باشد، می‌تواند هم توحید ناب باشد؛ بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله‌ی ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد.

اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد، و هم شاکر و بنده‌ی خدا باشد؛ جبهه‌ی عبودیت بر خاک بساید. انسان بودن، قدرتمند بودن و بنده‌ی خدا و عبد خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام میخواهد؛ میخواهد انسان بسازد، الگوی انسان‌سازی است. پس در درجه‌ی

اول، نیاز تمدن‌سازیِ اسلامیِ نوین به ایمان است. این ایمان را ما معتقدین به اسلام، پیدا کرده‌ایم. ایمان ما، ایمان به اسلام است. در اخلاقیات اسلام، در آداب زندگی اسلامی، همه‌ی آنچه را که مورد نیاز ماست، می‌توانیم پیدا کنیم؛ باید اینها را محور بحث و تحقیقِ خودمان قرار دهیم. ما در فقه اسلامی و حقوق اسلامی زیاد کار کرده‌ایم؛ باید در اخلاق اسلامی و عقل عملی اسلامی هم یک کار پرحجم و باکیفیتی انجام دهیم - حوزه‌ها مسئولیت دارند، دانشوران مسئولیت دارند، محققان و پژوهشگران مسئولیت دارند، دانشگاه مسئولیت دارد - آن را مبنای برنامه‌ریزی‌مان قرار دهیم، آن را در آموزشهای خودمان وارد کنید؛ این چیزی است که امروز ما به آن احتیاج داریم و باید دنبال کنیم. این مطلب اول و تکمیلی اول در باب تمدن‌سازی نوین اسلامی و به دست آوردن و رسیدن به این بخش اساسی از تمدن است، که سلوک عملی است. هیچکدام از این چیزهایی که من فهرست کردم و گفتم، شما نمی‌توانید پیدا کنید که یا به صورت خاص، یا تحت یک عنوان عام، در اسلام به آن پرداخته نشده باشد. انواع سلوک با افرادی که انسان با آنها ارتباط دارد، انواع رفتارهای ما، انواع چیزهایی که در زندگی اجتماعی برای انسان وجود دارد، اینها در اسلام هست؛ در مورد سفر کردن هست، در مورد رفت و آمد هست، در مورد سوار شدن و پیاده شدن هست، در مورد پدر و مادر هست، در مورد تعاون هست، در زمینه‌ی رفتار با دوست هست، در زمینه‌ی رفتار با دشمن هست. در همه‌ی چیزها، یا به طور خاص در منابع اسلامی ما موجود است، یا تحت یک عنوان کلی وجود دارد؛ که اهل استنباط و اهل نظر می‌توانند آن چیزی را که مورد نیازشان است، از آن به دست بیاورند و پیدا کنند.

اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخش، ما پیش برویم؛ باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد. اگر آن تمدن به وجود آمد، آن وقت ملت ایران در اوج عزت است؛ ثروت هم دنبالش هست، رفاه هم دنبالش هست، امنیت هم دنبالش هست، عزت بین‌المللی هم دنبالش هست؛ همه چیز با او خواهد بود، همراه با معنویت.